دوماهنامه مطالعات کاربردی در علوم مدیریت و توسعه
سال دهم، شماره ۱ (پیاپی: ۵۷)، خرداد ۱۴۰۴

تجربه ذهنی یادآوری خاطره در مواجهه با فضاهای نوستالژیک شهری(مطالعه موردی: بافت تاریخی شهر یزد)

محمد عرفان آنتیکچی [۱]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۳۰
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۰۱
کد مقاله: ۴۹۴۴۵

چکـیده

فضاهای تاریخی شهری، فراتر از ارزش‌های کالبدی و زیبایی‌شناختی، واجد کیفیت‌هایی هستند که تجربه‌ی ذهنی کاربران را فعال کرده و خاطرات زیسته‌ی آن‌ها را تداعی می‌کنند. این تحقیق با هدف بررسی نحوه‌ی یادآوری خاطره در مواجهه با فضاهای نوستالژیک شهری انجام شده است و بافت تاریخی شهر یزد را به‌عنوان مطالعه‌ی موردی برگزیده است. روش تحقیق به‌صورت توصیفی‌تحلیلی و مبتنی بر رویکرد کیفی بوده و داده‌ها از طریق تحلیل محتوای متون نظری، مشاهده‌ی میدانی و نمونه‌کاوی گردآوری شده‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که عناصر کالبدی بومی، ساختار فضایی سنتی و حضور نشانه‌های فرهنگی در بافت تاریخی یزد، بستر مناسبی برای تداعی خاطرات فردی و جمعی فراهم می‌آورد و از این طریق، تجربه‌ی ذهنی غنی‌تری از فضا شکل می‌گیرد. در نتیجه، بازآفرینی فضاهای شهری باید با رویکردی حافظه‌محور و انسان‌محور صورت گیرد تا پایداری هویتی و روانی شهر تقویت شود.

واژگـان کلـیدی: فضای نوستالژیک، خاطره، تجربه ذهنی، بافت تاریخی، حس مکان، یزد

۱- کارشناسی ارشد،گروه معماری،دانشکده عمران،معماری و هنر،واحد علوم و تحقیقات،دانشگاه آزاد اسلامی،تهران،ایران
Erfan.antikchi99@gmail.com

[Downloaded from asmd.ir on 2026-11-17]

۱- مقدمه

فضای شهری، فراتر از یک بستر کالبدی برای جریان زندگی روزمره، حامل لایه‌هایی از معنا، حافظه و تجربه‌ی زیسته‌ی جمعی و فردی است. هرچند که معماری در وهله‌ی نخست به‌عنوان امری فیزیکی و بصری درک می‌شود، اما در عمل، فضاهای شهری می‌توانند خاطرات گذشته را در ذهن افراد تداعی کرده و نقش مؤثری در بازسازی هویت فردی و فرهنگی ایفا کنند (Norberg-Schulz, 1980). این پدیده به‌ویژه در مواجهه با فضاهای تاریخی و نوستالژیک شهری بروز می‌یابد؛ فضاهایی که به واسطه‌ی ساختار، مصالح، بافت و کیفیت‌های حسی خود، به‌مثابه حافظه‌ای جمعی عمل کرده و خاطرات خفته را به سطح ذهن بازمی‌گردانند. نوستالژی که ریشه در واژه‌های یونانی *nostos*(بازگشت به خانه) و *algos*(درد) دارد، در حوزه‌ی روان‌شناسی به عنوان احساسی پیچیده و چندلایه تعریف می‌شود که با حس فقدان و دلتنگی برای گذشته همراه است (Boym, 2001). این حس می‌تواند در نتیجه‌ی مواجهه با فضاهایی خاص تحریک شود؛ به‌ویژه فضاهایی که ساختار آن‌ها واجد خاطره‌انگیزی، هویت‌مندی و تداوم تاریخی باشند. در این میان، معماری تاریخی شهری به دلیل غنای فرهنگی و نمادین خود، بستری زنده برای برانگیختن تجربه‌های ذهنی یادآور خاطره به‌شمار می‌رود (Rossi, 1982). شهر یزد به عنوان یکی از غنی‌ترین بافت‌های تاریخی ایران و جهان، به دلیل اصالت کالبدی، پیوستگی فرهنگی، و حضور پررنگ عناصر بومی مانند بادگیرها، ساباط‌ها و کوچه‌های خاکی، نمونه‌ای شاخص از فضاهای شهری نوستالژیک محسوب می‌شود. بافت تاریخی این شهر، نه‌تنها دربرگیرنده‌ی ارزش‌های معماری و زیست‌محیطی است، بلکه به‌مثابه حافظه‌ی کالبدی یک تمدن عمل می‌کند که می‌تواند محرک تجربه‌های ذهنی عمیق و بازخوانی خاطرات شخصی و جمعی باشد (Habibi & Maghsoudi, 2003). بر این اساس، این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش است که چگونه تجربه‌ی ذهنی یادآوری خاطره در مواجهه با فضاهای نوستالژیک شهری شکل می‌گیرد و بافت تاریخی شهر یزد چگونه بستری برای بروز این تجربه‌ها فراهم می‌آورد؟ هدف اصلی مقاله، تحلیل رابطه‌ی میان ساختار کالبدی–فضایی بافت تاریخی یزد و فرایندهای ذهنی بازخوانی خاطره از منظر روان‌شناسی محیط و طراحی شهری است.

۲-بیان مسئله

فضاهای شهری، به‌ویژه بافت‌های تاریخی، بیش از آنکه صرفاً محملی برای جریان‌های عملکردی باشند، بستری برای شکل‌گیری، ذخیره و بازخوانی خاطرات فردی و جمعی‌اند. شهرها، همان‌گونه که کوین لینچ (Kevin Lynch) در نظریه‌ی "حس مکان" تأکید کرده است، واجد ارزش‌های نمادین و عاطفی‌اند و می‌توانند در شکل‌گیری هویت ذهنی ساکنان خود نقش مؤثری ایفا کنند (Lynch, 1960). در این میان، فضاهای نوستالژیک—فضاهایی که واجد کیفیت‌های تاریخی، حسی، و زیسته‌اند— بیش از سایر فضاها ظرفیت برانگیختن خاطرات ذهنی را دارند. بافت تاریخی شهر یزد، با ویژگی‌هایی چون ساختار ارگانیک، مصالح بومی، سادگی فرمی، پیوستگی عملکردی، و تداوم سکونت، نمونه‌ای ممتاز از این نوع فضاها به شمار می‌رود. در مواجهه با این بافت، بسیاری از شهروندان و حتی گردشگران، تجربه‌هایی از یادآوری خاطرات گذشته را گزارش می‌کنند؛ خاطراتی که گاه به دوران کودکی، روابط خانوادگی، آیین‌ها، یا حتی حافظه‌ی جمعی یک ملت بازمی‌گردد. اما با وجود اهمیت این موضوع، اغلب پژوهش‌های صورت‌گرفته پیرامون بافت تاریخی یزد بر جنبه‌های کالبدی، فنی و مرمتی تمرکز داشته‌اند، و مطالعات اندکی به بررسی بُعد روان‌شناختی و ذهنی تجربه‌ی فضای شهری پرداخته‌اند (سلطان‌زاده، ۱۳۸۰؛ بحرینی، ۱۳۸۶). در واقع، پرسش اصلی آن است که چگونه فضاهای کالبدی و معمارانه‌ی بافت تاریخی یزد موجب فعال‌سازی حافظه و یادآوری خاطرات ذهنی می‌شوند؟ و این تجربه چه ویژگی‌هایی دارد؟ آیا این بازخوانی خاطره صرفاً امری فردی است یا می‌تواند به مثابه ابزاری برای بازسازی هویت جمعی در بستر معماری و شهر عمل کند؟ و چگونه می‌توان از این ظرفیت در طراحی فضاهای معاصر بهره گرفت؟ با توجه به روند فزاینده‌ی تخریب، تغییر کاربری یا نوسازی غیرمتناسب در بافت‌های تاریخی، ضرورت شناخت و تحلیل عمیق‌تر کیفیت‌های حسی–روانی فضا بیش از پیش احساس می‌شود. چراکه بی‌توجهی به این وجوه، منجر به گسست حافظه‌ی تاریخی شهروندان و تضعیف حس تعلق مکانی خواهد شد (بحرینی، ۱۳۸۶).

۳-اهمیت و ضرورت

شهرها تنها مجموعه‌ای از عناصر کالبدی نیستند، بلکه دربردارنده‌ی معنا، حافظه، و تجربه‌های زیسته‌اند که در لایه‌های زمانی نهفته شده‌اند. در این میان، بافت‌های تاریخی نه‌تنها ارزش‌های معماری، زیبایی‌شناختی و زیست‌محیطی دارند، بلکه واجد کیفیت‌هایی هستند که می‌توانند پیوندی عاطفی و ذهنی میان فرد و فضا برقرار کرده و حس تعلق و هویت مکان را تقویت کنند (Relph, 1976). چنین فضاهایی، از رهگذر عناصر آشنا و خاطره‌انگیز، قادرند خاطرات فراموش‌شده را در ذهن مخاطب زنده کرده و نوعی تجربه‌ی نوستالژیک و معناگرا ایجاد کنند. با توجه به شتاب روزافزون شهرنشینی، تغییر سبک زندگی، نوسازی‌های

[Downloaded from asmd.ir on 2026-11-17]

گسترده و گاه غیرمنطبق با هویت تاریخی در شهرهای ایرانی، بافت‌های تاریخی در معرض تهدید از دست رفتن اصالت، معنا و حافظه‌ی فرهنگی هستند (بحرینی، ۱۳۸۶). در این میان، یزد به‌عنوان یکی از معدود شهرهایی که هنوز بافت تاریخی پیوسته و زنده‌ی خود را حفظ کرده، نمونه‌ای بی‌نظیر از تداوم تاریخی، سکونت‌پذیری و حضور عناصر هویت‌ساز شهری به شمار می‌رود. اما علی‌رغم ثبت جهانی یزد و توجه به مرمت‌های کالبدی، بعد ذهنی–روان‌شناختی این فضاها کمتر مورد توجه قرار گرفته است.درک نقش فضاهای نوستالژیک شهری در بازخوانی خاطرات ذهنی، می‌تواند نه‌تنها به فهم عمیق‌تری از رابطه انسان و محیط منجر شود، بلکه در سیاست‌گذاری‌های شهری، طراحی فضاهای عمومی، و حتی آموزش معماری و شهرسازی نقش مؤثری ایفا کند. از این منظر، پژوهش حاضر با تمرکز بر تجربه‌ی ذهنی کاربران در مواجهه با بافت تاریخی یزد، می‌کوشد تا ضرورت بازشناسی ارزش‌های ناملموس فضا—همچون خاطره، حس مکان، و پیوستگی تاریخی—را مورد تأکید قرار دهد؛ ارزش‌هایی که در صورت نادیده‌انگاشته شدن، منجر به گسست حافظه‌ی جمعی و تضعیف کیفیت‌های انسانی فضاهای شهری خواهد شد (مدنی‌پور، ۱۳۹۰).

۴-پیشینه پژوهش

بررسی ارتباط میان فضاهای شهری و حافظه‌ی فردی/جمعی، یکی از حوزه‌های بینارشته‌ای در معماری، شهرسازی، روان‌شناسی محیطی و جامعه‌شناسی شهری است. در چند دهه‌ی اخیر، مفاهیمی چون "نوستالژی"، "حس مکان"، "خاطره‌انگیزی فضا" و "معماری خاطره‌محور"، در تحلیل و طراحی فضاهای شهری مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته‌اند. بسیاری از این مطالعات، بر تأثیر عناصر کالبدی، حسی و تاریخی فضا بر تجربه‌ی ذهنی افراد تأکید دارند.(Tuan, 1977; Casey, 2000)

در ایران نیز، به‌ویژه با محوریت بافت‌های تاریخی مانند یزد، پژوهش‌هایی در حوزه‌های مرمت، ارزش‌های معماری سنتی، و کیفیت‌های فضایی انجام شده، اما بیشتر این مطالعات معطوف به تحلیل کالبدی–فنی یا مدیریتی بافت‌ها بوده‌اند و ابعاد روان‌شناختی، ادراکی و ذهنی فضا کمتر به‌طور مستقیم بررسی شده است (بحرینی، ۱۳۸۶؛ نقی‌زاده، ۱۳۹۵).

در زیر، برخی از مهم‌ترین مطالعات مرتبط داخلی و خارجی در قالب جدول مقایسه‌ای ارائه شده‌اند.

جدول ۱:پیشینه پژوهش‌های منتخب مرتبط

ردیف	پژوهشگر / سال	عنوان تحقیق	حوزه تمرکز	روش‌شناسی	نقاط قوت	کاستی نسبت به تحقیق ما
۱	Casey, 2000	*Remembering: A Phenomenological Study*	حافظه و مکان	کیفی / پدیدارشناسی	تحلیل عمیق حافظه در تجربه مکان	فاقد تمرکز بر فضاهای شهری تاریخی
۲	Relph, 1976	*Place and Placelessness*	حس مکان و تعلق	نظری / مفهومی	نظریه‌پردازی بنیادی حس مکان	غیرموردی، فاقد تحلیل تجربی
۳	زبردست، ۱۳۹۲	نقش خاطره در طراحی فضاهای شهری	معماری و خاطره	تحلیل محتوا	کاربرد نظریه حافظه در طراحی	فاقد مطالعه میدانی روی کاربران
۴	نقی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۵	تحلیل حس مکان در بافت تاریخی یزد	ادراک فضایی در یزد	پرسش‌نامه / آماری	داده‌مبنای محلی	فاقد نگاه به خاطره‌انگیزی یا نوستالژی
۵	احمدی، ۱۴۰۰	نوستالژی و بازآفرینی شهری در بافت‌های تاریخی	بازآفرینی شهری	مرور ادبیات / کیفی	تمرکز بر سیاست‌گذاری شهری	فاقد تمرکز بر تجربه ذهنی فردی
۶	Rishbeth et al., 2019	*Memory and Migration in Urban Public Space*	خاطره، مهاجرت و فضا	کیفی / مصاحبه	بررسی تجربه ذهنی در فضاهای عمومی	فاقد تمرکز بر فضاهای تاریخی

(منبع:نگارنده،۱۴۰۴)

پژوهش حاضر با تمرکز بر تجربه‌ی ذهنی یادآوری خاطره در مواجهه با فضاهای نوستالژیک شهری، تلاش دارد تا از مرزهای تحلیل صرف کالبدی فضا عبور کرده و لایه‌های ناپیدای معنایی و روان‌شناختی زیست انسانی در بافت تاریخی شهر را واکاوی کند. در حالی‌که اغلب مطالعات مرتبط با بافت‌های تاریخی به جنبه‌های فیزیکی، حفاظت کالبدی، یا سیاست‌گذاری‌های بازآفرینی محدود شده‌اند، این تحقیق با نگاهی پدیدارشناسانه به تجربه زیسته‌ی افراد، سعی دارد به درک عمیق‌تری از ارتباط حافظه و مکان برسد.

نوآوری این پژوهش از آن‌جا ناشی می‌شود که خاطره، به‌مثابه یکی از عناصر بنیادین در ادراک فضا، نه به‌صورت منفک از کالبد، بلکه در پیوندی تنگاتنگ با عناصر معمارانه، کیفیت‌های حسی، و بافت تاریخی شهر بررسی می‌شود. در این راستا، بافت

[Downloaded from asmd.ir on 2026-11-17]

تاریخی شهر یزد نه فقط به‌عنوان میراثی ملموس، بلکه به‌منزله‌ی یک ساختار فعال حافظه‌محور در ذهن مخاطب مورد تحلیل قرار می‌گیرد؛ ساختاری که از رهگذر مواجهه‌ی روزمره با فضاهای آشنا، قادر است تجربه‌هایی عاطفی، نوستالژیک و هویت‌ساز را در ذهن افراد بازآفرینی کند.

پژوهش حاضر همچنین با بهره‌گیری از تلفیق مفاهیم بینارشته‌ای در حوزه‌های روان‌شناسی محیط، فلسفه حافظه، و نظریه‌های معماری، افقی نو برای تحلیل فضاهای شهری تاریخی می‌گشاید؛ تحلیلی که به‌جای تمرکز بر عملکرد یا زیبایی‌شناسی صرف، به تجربه‌ی ذهنی انسان در دل فضاهای نوستالژیک می‌پردازد. این رویکرد امکان آن را فراهم می‌آورد تا ارزش‌های ناملموس فضا، همچون خاطره، حس مکان، و پیوستگی زمانی، در فرایند طراحی و بازآفرینی شهری به عنوان مؤلفه‌های بنیادین در نظر گرفته شوند.از سوی دیگر، انتخاب روش کیفی با تأکید بر روایت‌پژوهی ، به پژوهش امکان می‌دهد تا به درک ژرف‌تری از تجربه‌ی ذهنی افراد در مواجهه با بافت تاریخی یزد دست یابد؛ رویکردی که در تحقیقات مشابه کمتر مورد توجه قرار گرفته و می‌تواند زمینه‌ساز تحول در رویکردهای طراحی معاصر مبتنی بر حافظه و هویت گردد.

۵-ادبیات پژوهش

ادبیات نظری این پژوهش بر سه محور اصلی استوار است:

۱ .نظریه‌های مرتبط با حافظه و خاطره در فضا

۲ .مفهوم نوستالژی و جایگاه آن در تجربه‌ی شهری

۳ .نقش فضاهای تاریخی در بازتولید هویت و خاطره‌ی جمعی.

۵-۱-حافظه، مکان و خاطره در نظریه‌های معاصر

یکی از مهم‌ترین بنیان‌گذاران رویکردهای حافظه‌محور در مطالعات شهری، «موریس هال‌بواکس» است که مفهوم *خاطره جمعی* را وارد تحلیل‌های فضامند کرد. از نگاه او، خاطره همواره در بستری اجتماعی–فضایی شکل می‌گیرد و فضا نقش انکارناپذیری در تثبیت و تداوم حافظه دارد .(Halbwachs, 1992) در تکمیل این دیدگاه، «ادوارد کیسی» در کتاب *یادآوری: مطالعه‌ای پدیدارشناسانه*، به پیوند وجودی حافظه با مکان پرداخت و معتقد بود که خاطرات نه در ذهن، بلکه در مکان‌ها سکنی می‌گزینند.(Casey, 2000)

»یی–فو توان» نیز با مفهوم *توپوفیلیا* (عشق به مکان) بر این باور بود که احساس دلبستگی به فضاها از دل پیوندهای عاطفی و حافظه‌های زیسته‌ی انسان‌ها با مکان‌ها شکل می‌گیرد.(Tuan, 1977)

در معماری معاصر، مفاهیمی چون *حس مکان* (Relph, 1976)، *تجربه پدیدارشناسانه از فضا*[1] (Norberg-Schulz, 1980)و *معماری خاطره‌محور* به‌عنوان بنیانی برای طراحی فضاهای انسانی معرفی شده‌اند. این رویکردها همگی بر نقش ذهن، عاطفه، و خاطره در ادراک فضا و معنادار شدن محیط تأکید دارند.

۵-۲- نوستالژی و تجربه ذهنی فضا

واژه نوستالژی که ریشه‌ای یونانی دارد، به معنای "بازگشت به دردِ خانه" است؛ اما امروزه در حوزه‌های علوم انسانی به معنای *اشتیاق احساسی برای گذشته‌ای از دست‌رفته* تعبیر می‌شود .(Boym, 2001) نوستالژی در فضاهای شهری، به‌ویژه در بافت‌های تاریخی، نه تنها یادآور گذشته‌ی فردی یا جمعی است، بلکه می‌تواند تجربه‌ای احساسی، چندحسی و ذهنی خلق کند که به بازآفرینی معنا و هویت مکان منجر شود.

»سوزان استوارت» در تحلیل فرهنگی نوستالژی تأکید می‌کند که بازخوانی گذشته در فضاهای نوستالژیک، نوعی بازسازی تخیل‌محور است که فرد را در دل فضای تاریخی، از نو با گذشته‌ی خویش مواجه می‌کند .(Stewart, 1993) این مسئله در طراحی شهری به‌عنوان ابزاری برای بازسازی پیوندهای گسسته با مکان مطرح می‌شود.

[1] به درک و دریافت فضا از منظر زیسته و ذهنی فرد اطلاق می‌شود، نه صرفاً از دیدگاه کمی یا عینی. در این رویکرد، فضا آن‌گونه که در آگاهی انسان ظاهر می‌شود مورد توجه قرار می‌گیرد؛ یعنی آنچه فرد در مواجهه‌ی مستقیم با مکان احساس، ادراک و معنا می‌کند. این نوع تجربه متأثر از حافظه، عاطفه، تاریخچه زیستی و درک حسی–ادراکی فرد از مکان است، و در تضاد با رویکردهای صرفاً کالبدی یا عملکردی نسبت به فضا قرار دارد

[Downloaded from asmd.ir on 2026-11-17]

۵-۳-بافت تاریخی به‌مثابه بستر حافظه و هویت

بافت‌های تاریخی واجد ارزش‌هایی‌اند که فراتر از ساختار کالبدی‌شان معنا می‌یابد. این فضاها، به دلیل پیوستگی زمانی، تداوم سکونت، و حافظه‌ی فرهنگی‌ای که در خود نهفته دارند، بستری غنی برای فعال‌سازی خاطرات فردی و جمعی محسوب می‌شوند.

شهر یزد با معماری خشتی، ساختار ارگانیک، الگوهای زیستی بومی، و تداوم آیین‌ها، فضایی نوستالژیک برای ساکنان بومی و حتی گردشگران به شمار می‌رود. پژوهش‌هایی مانند اثر نقی‌زاده (۱۳۹۵) و احمدی (۱۴۰۰) نیز تأیید کرده‌اند که ویژگی‌های حسی–کالبدی این فضاها، مانند کوچه‌های باریک، بادگیرها، حیاط‌های مرکزی و سطوح خام مصالح، در احیای حافظه و ایجاد پیوندهای عاطفی با مکان بسیار مؤثر هستند.

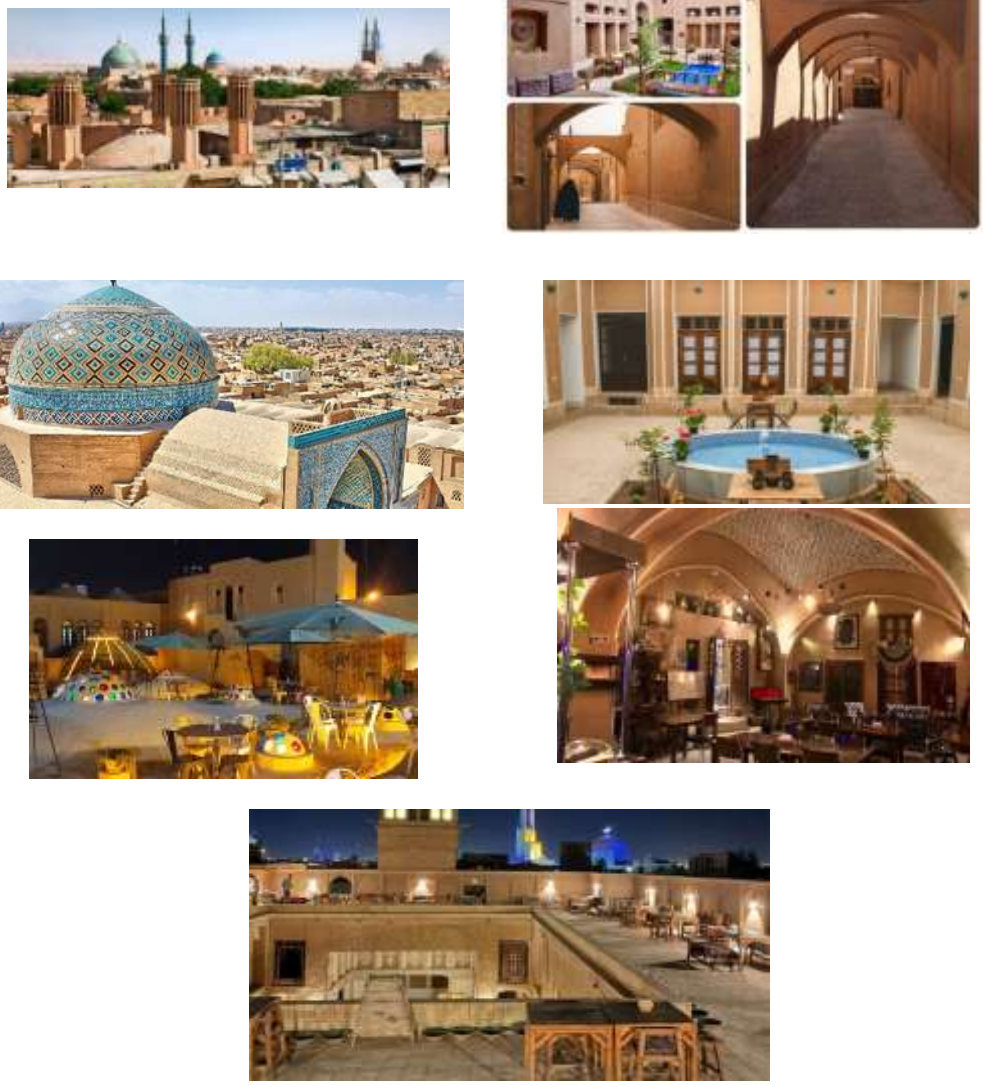

تصویر۱:نمونه ای از تصاویر شهر یزد(منبع:نگارنده،۱۴۰۴)

۶-روش تحقیق

روش این پژوهش از نوع کیفی و به شیوه‌ی مروری–تحلیلی است. در گام نخست، با مطالعه‌ی نظام‌مند منابع نظری و مطالعات پیشین، مفاهیم کلیدی نظیر خاطره، نوستالژی فضایی، حس مکان و تجربه‌ی ذهنی در بستر مطالعات شهری و معماری شناسایی و استخراج شدند. این مفاهیم به‌منظور دستیابی به چارچوب مفهومی اولیه و بنیان‌گذاری دیدگاه نظری پژوهش، از منابع بین‌المللی و داخلی گردآوری شده‌اند.

[Downloaded from asmd.ir on 2026-11-17]

در گام دوم، با بهره‌گیری از تحلیل محتوای مطالعات موردی در بافت تاریخی شهر یزد، به ویژه مکان‌هایی که بار احساسی–تاریخی بالایی داشته و در بازنمایی حافظه و خاطرات جمعی نقش دارند، نمونه‌هایی انتخاب و بررسی شدند. این تحلیل به شیوه‌ی *تفسیری* (interpretative)و با رویکرد *پدیدارشناسی معماری* انجام گرفته است؛ بدین معنا که تلاش شده تجربه‌ی زیسته‌ی کاربران، گردشگران و ساکنین در مواجهه با این فضاها، از منظر یادآوری خاطرات گذشته و احساس نوستالژیک درک و تحلیل گردد. روش گردآوری داده‌ها به‌صورت اسنادی و کتابخانه‌ای بوده و منابع اطلاعاتی شامل:

کتاب‌ها و مقالات علمی مرتبط با معماری، شهرسازی، پدیدارشناسی و حافظه

گزارش‌های طراحی و اسناد بازآفرینی شهری

پایگاه‌های علمی داخلی و خارجی

معیار تحلیل نمونه‌های موردی بر مبنای ویژگی‌های کالبدی، تجربه‌ی ذهنی کاربران، میزان تحریک حافظه و ایجاد حس نوستالژیک در فضا تعریف شده است.

فضاهای نوستالژیک در بافت تاریخی یزد، با ترکیب معماری سنتی و عناصر فرهنگی، نقش مهمی در زنده نگه‌داشتن خاطرات جمعی و ایجاد تجربه‌های ذهنی دارند. کوچه‌های آشتی‌کنان با طراحی خاص خود، حس صمیمیت و تعامل را تقویت می‌کنند. کافه‌ها و اقامتگاه‌های سنتی با حفظ معماری اصیل، فضایی برای بازگشت به گذشته و تجربه زندگی سنتی فراهم می‌کنند. محله‌هایی مانند فهادان نیز با حفظ بافت تاریخی، هویت محلی و حس تعلق را در ساکنان و بازدیدکنندگان تقویت می‌کنند.این فضاها نشان می‌دهند که چگونه طراحی معمارانه می‌تواند به ایجاد تجربه‌های ذهنی و خاطرات جمعی کمک کند و نقش مهمی در حفظ هویت فرهنگی و اجتماعی شهر ایفا کند.

جدول ۲:تحلیل نمونه‌های نوستالژیک در بافت تاریخی یزد

نام مکان	ویژگی‌های کالبدی	تجربه ذهنی و خاطره‌انگیزی	تحلیل معمارانه
کوچه‌های آشتی‌کنان	کوچه‌های باریک و پیچ‌درپیچ با دیوارهای بلند خشتی و ساباط‌ها	ایجاد حس صمیمیت، خاطرات کودکی، تعامل اجتماعی	طراحی برای ایجاد سایه و خنکای طبیعی، تقویت حس تعلق به محله
کافه بام ناردون	کافه‌ای بر بام خانه‌ای سنتی با نمای خشتی و مناظر شهر	تجربه آرامش، بازگشت به گذشته، لذت از فضای سنتی	استفاده از معماری سنتی برای ایجاد فضای نوستالژیک و جذب گردشگر
اقامتگاه سنتی سرای سپنج	خانه‌ای قاجاری با حیاط مرکزی، بادگیر و اتاق‌های سنتی	حس زندگی در گذشته، آرامش، ارتباط با فرهنگ بومی	حفظ معماری اصیل برای ایجاد تجربه‌ای فرهنگی و خاطره‌انگیز
محله فهادان	محله‌ای با بافت تاریخی، خانه‌های خشتی و کوچه‌های سنتی	حس تعلق، خاطرات جمعی، تجربه زندگی سنتی	نمونه‌ای از طراحی شهری سنتی با تأکید بر تعامل اجتماعی و هویت محلی

(منبع:نگارنده،۱۴۰۴)

۷–چارچوب نظری پژوهش

تجربه‌ی ذهنی یادآوری خاطره در مواجهه با فضاهای نوستالژیک شهری (مطالعه موردی: بافت تاریخی شهر یزد)

جدول۳:مفاهیم پایه‌ای و تعاریف نظری

مفهوم	تعریف نظری	منبع
خاطره(Memory)	بازنمایی ذهنی رخدادهای گذشته که در فضاهایی خاص احضار می‌شود. خاطرات معماری‌محور اغلب در مکان‌های معنادار تثبیت می‌شوند.	Casey, 2000
نوستالژی فضایی(Spatial Nostalgia)	احساس دلتنگی برای مکان یا تجربه‌ی گذشته که اغلب با ویژگی‌های کالبدی خاص مانند مصالح، فرم یا بافت گره خورده است.	Boym, 2001
حس مکان(Sense of Place)	پیوند ذهنی–احساسی میان فرد و مکان که از طریق تجربه، حافظه و معنا شکل می‌گیرد.	Relph, 1976
تجربه‌ی ذهنی فضا (Phenomenological Experience)	درک حسی و ذهنی از فضا که فراتر از عملکرد کالبدی آن بوده و به تجربه‌ی زیسته‌ی فرد در مکان وابسته است.	Norberg-Schulz, 1980

(منبع:نگارنده،۱۴۰۴)

[Downloaded from asmd.ir on 2026-11-17]

نمودار ۱-مدل مفهومی تحقیق(نگارنده،۱۴۰۴)

چارچوب نظری پژوهش حاضر بر تعامل سه‌گانه میان «کالبد تاریخی»، «ادراک ذهنی» و «حافظه فرهنگی» تأکید دارد. تجربه‌ی خاطره‌انگیز از فضا در بستر مواجهه‌ی ذهن با نشانه‌های کالبدی گذشته شکل می‌گیرد. بنابراین، فضاهای نوستالژیک نه‌فقط به واسطه‌ی عناصر معماری، بلکه از طریق رمزگذاری‌های ذهنی و حافظه‌ای، تجربه‌ای متفاوت و معنادار در ذهن مخاطب ایجاد می‌کنند

۸-نتیجه گیری

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که فضاهای نوستالژیک شهری، به‌ویژه در بافت تاریخی یزد، واجد ظرفیت بالایی برای فعال‌سازی خاطرات فردی و جمعی هستند. تجربه ذهنی افراد در این فضاها نه‌تنها وابسته به کالبد معماری، بلکه به‌شدت متأثر از زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و زیسته‌ی افراد است. کوچه‌های سنتی، مصالح خشتی، ساباط‌ها و حضور عناصر تاریخی همچون بادگیرها و حیاط‌های مرکزی، همگی به‌عنوان کدهای معنایی، فرآیند تداعی خاطرات را تقویت می‌کنند و حس نوستالژیک و تعلق به مکان را در مخاطب برمی‌انگیزند. برخلاف فضاهای مدرن که عمدتاً تجربه‌ای سطحی و آنی ارائه می‌دهند، فضاهای سنتی یزد با ساختاری چندلایه، حافظه‌ی حسی و زیستی افراد را درگیر کرده و بستری برای بازگشت به گذشته فراهم می‌آورند. همین امر باعث می‌شود تا تجربه‌ی ذهنی در این فضاها، نه‌فقط عملکردی، بلکه عاطفی، ادراکی و معنادار باشد.

پژوهش حاضر با تمرکز بر «تجربه‌ی ذهنی یادآوری خاطره» در مواجهه با معماری تاریخی، به‌دنبال درک سازوکارهای ذهنی–فضایی بوده است که می‌توانند در بازآفرینی شهری، طراحی انسان‌محور و بازسازی هویت‌های محلی نقش مؤثر ایفا کنند. مطالعه‌ی ادبیات موجود پیرامون فضاهای نوستالژیک، حافظه‌ی جمعی و ادراک فضا، نشان می‌دهد که بیشتر تحقیقات پیشین به بررسی ابعاد کالبدی، تاریخی یا زیبایی‌شناختی فضاهای شهری محدود شده‌اند و عمدتاً با رویکردهای کمی یا مستندنگارانه به تحلیل ویژگی‌های صوری و فیزیکی فضا پرداخته‌اند. اگرچه برخی مطالعات به «حس مکان» یا «یادمان‌های تاریخی» اشاره کرده‌اند، اما تحلیل‌های آن‌ها اغلب فاقد رویکردی پدیدارشناسانه و عمیق نسبت به تجربه ذهنی انسان در بستر مکان بوده است.

در واقع، آنچه در ادبیات پژوهش کمتر بدان توجه شده، نحوه‌ی درگیر شدن ذهن انسان با فضا از طریق سازوکار خاطره و تداعی گذشته است؛ به‌ویژه در فضاهایی که نه‌تنها ارزش تاریخی دارند بلکه واجد بار احساسی، زیسته و فرهنگی‌اند. شکاف اصلی در این میان، فقدان مطالعه‌ای است که بتواند با ترکیب دیدگاه‌های روان‌شناسی محیط، نظریه‌های معماری پدیدارشناسانه، و تجربه زیسته‌ی کاربران، به تحلیل فرآیند یادآوری خاطره در مواجهه با فضاهای تاریخی بپردازد.

پژوهش حاضر با تمرکز بر بافت تاریخی یزد و با تکیه بر تحلیل‌های کیفی و تفسیری، در پی آن است تا این خلأ مفهومی را پر کرده و افق جدیدی را در تحلیل فضاهای شهری بگشاید؛ فضایی که نه‌فقط از منظر تاریخی یا کالبدی، بلکه از زاویه‌ی ادراک ذهنی و حافظه‌ی فردی مورد توجه قرار گیرد. از این‌رو، پژوهش کنونی تلاش دارد تا معماری را از ابزاری برای ساخت فضا به ابزاری برای بازخوانی و تجربه‌ی خاطره ارتقا دهد، و فضا را نه‌فقط به‌عنوان یک بستر فیزیکی، بلکه به‌مثابه ظرفی از خاطرات و معنا درک کند.

در پرتو یافته‌های این پژوهش، روشن است که فضاهای تاریخی، تنها حاوی ارزش‌های کالبدی یا میراثی نیستند، بلکه بسترهای فعالی برای بازآفرینی خاطره، احیای حس مکان، و تداعی تجربه‌های زیسته‌اند. بر این اساس، برای حفظ، احیاء و ارتقاء کیفیت تجربه‌ی ذهنی در این نوع فضاها، مجموعه‌ای از راهکارهای طراحی، مدیریتی و فرهنگی پیشنهاد می‌شود.نخست آن‌که،

[Downloaded from asmd.ir on 2026-11-17]

فرآیند طراحی شهری و معماری معاصر باید از سطح فرم‌گرایی صرف عبور کرده و به لایه‌های معنایی و ذهنی فضا توجه کند. طراحی فضاهای عمومی و نیمه‌عمومی در بافت‌های تاریخی باید به‌گونه‌ای انجام گیرد که قابلیت *تداعی خاطرات فردی و جمعی* را حفظ کند؛ از جمله از طریق بازآفرینی نشانه‌های کالبدی آشنا، تداوم الگوهای فضایی سنتی (مانند حیاط مرکزی، ساباط، کوچه‌های پیچ در پیچ) و استفاده از مصالح و رنگ‌های بومی.دوم، حافظه‌ی جمعی و روایت‌های زیسته‌ی ساکنان محلی باید به عنوان بخشی از داده‌های طراحی تلقی شود. این امر از طریق مستندسازی روایت‌ها، خاطرات و تجربیات گذشته در قالب مصاحبه، ثبت شفاهی یا حتی گرافیک محیطی قابل تحقق است؛ به‌طوری‌که خود فضا به عنوان بستری روایی و معناگرا در ذهن کاربران تثبیت شود.

سوم، مدیریت شهری باید در فرآیند بازآفرینی بافت‌های تاریخی به‌جای تخریب و نوسازی، از سیاست‌های باززنده‌سازی بهره گیرد. این سیاست‌ها باید به حفظ کیفیت‌های ناملموس فضا (مانند حس نوستالژیک، آرامش، یا هویت محله‌ای) کمک کنند و نه صرفاً به بازسازی کالبد.در نهایت، آموزش و مشارکت‌پذیری جوامع محلی در فرآیند احیای فضاهای تاریخی اهمیت بالایی دارد. اگر ساکنان به‌عنوان صاحبان حافظه‌ی مکان در فرآیند تصمیم‌گیری دخیل باشند، کیفیت خاطره‌انگیزی و احساس تعلق به فضا نیز تقویت خواهد شد.

منابع

- پاکزاد، جهانشاه .۱۳۹۰ .معنا در معماری فضای شهری .تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران.
- بحرینی، حسین..۱۳۹۳. فرآیند طراحی شهری .تهران: دانشگاه تهران.
- سلطانی، بهرام.۱۳۹۵.. «نوستالژی و تأثیر آن بر ادراک فضاهای تاریخی»، فصلنامه هنرهای زیبا – معماری و شهرسازی، شماره ۴۵، صص ۴۱–۵۲.
- رفیعیان، محمد، و عبدالهی، زهرا.۱۳۹۸. «بررسی ارتباط نوستالژی و حس مکان در بافت‌های تاریخی»، پژوهش‌های معماری اسلامی، ۷(4)، صص ۹۰–۱۰۴.
- حناچی، پیروز .۱۳۸۶ .نگرش‌های نو در برنامه‌ریزی شهری .تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
- Norberg-Schulz, C. (1980). Genius Loci: Towards a Phenomenology of Architecture. New York: Rizzoli.
- Relph, E. (1976). Place and Placelessness. London: Pion.
- Casey, E. (2000). Remembering: A Phenomenological Study. Bloomington: Indiana University Press.
- Boym, S. (2001). The Future of Nostalgia. New York: Basic Books.
- Lynch, K. (1960). The Image of the City. Cambridge, MA: MIT Press.

[Downloaded from asmd.ir on 2026-11-17]